

تحلیل انتقادی گفتمان داستان گیله‌مرد بر اساس رویکرد نورمن فر کلاف

علی گودرزی^۱، بهاء‌الدین اسکندری^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم

۲- دانش‌یار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم

چکیده

تحلیل گفتمان از اواسط دهه ۱۹۶۰م تا دهه ۱۹۷۰م به عنوان گرایش بین رشته‌ای در مطالعات زبان‌شناختی ظهور کرد. پس از به وجود آمدن رویکردهای انتقادی در زبان‌شناسی، تحلیل گفتمان نیز به همت اندیشمندانی چون میشل فوکو و ژاک دریدا جنبه انتقادی به خود گرفت. در این سطح از تحلیل فرض بر این است که زبان در جهت اعمال قدرت به کار برده می‌شود و ایدئولوژی و گفتمان در نحوه کاربرد آن نقش بسزایی دارند. نظریه سه سطحی نورمن فر کلاف یکی از رویکردهای تحلیل انتقادی گفتمان است که شامل سطوح توصیف، تفسیر و تبیین می‌شود. هدف نهایی این رویکرد تبیین پیوند میان متن و جامعه، به عنوان سطح خرد و کلان می‌باشد. در پژوهش حاضر سعی بر این است که داستان گیله‌مرد اثر بزرگ علوی با توجه به این رهیافت بررسی شود تا چگونگی نگرش و عقاید نویسنده و همچنین ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های مؤثر بر ذهن و زبان او، به عنوان یکی از چهره‌های بنام داستان نویسی معاصر که نویسندگانی تحت تأثیر سبک و آراء او قرار گرفتند، بررسی شود. از این رهگذر به این نتیجه رسیدیم علوی به عنوان نویسنده‌ای که دغدغه‌های اجتماعی دارد، در گیله‌مرد به مسائل و تحولات اجتماعی و سیاسی توجه داشته و با نگاهی ایدئولوژیک به آن‌ها نظر انداخته است. گفتمان مسلط بر این داستان را می‌توان گفتمان مبارزه و مقاومت بر علیه ظلم و استبداد دانست. انتخاب‌های علوی در سطح واژگان و دستور و همچنین شخصیت پردازی‌های او نشان دهنده گرایش او به ایدئولوژی خاصی است که در جهت ضدیت با گفتمان مستبدانه حکومت پهلوی قرار دارد. علوی در این اثر سعی دارد مبارزات دهقانی و قیام‌های دهقانی گیلان را در دهه ۱۳۳۰ه.ش نشان دهد و تا از این طریق گفتمانی بر علیه گفتمان حکومتی را به مخاطبین خود بنمایاند.

واژگان کلیدی: تحلیل انتقادی گفتمان، ساختار اجتماعی، ایدئولوژی، فر کلاف، بزرگ علوی.